

بهره‌وری کشاورزی؛ از حرف تا عمل

♦ دکتر حسین مهرابی بشرآبادی

عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر
کرمان



می‌تواند اولین حلقه از این فرآیند را با مشکل زیادی مواجه سازد و یا منجر به تولید و ارسال سیگنال‌های اشتباه گردد. دوم این‌که مؤسسات تحقیقاتی دولتی با بودجه و امکانات کم و عموماً عرضه محور، عمدتاً از دریافت صحیح این سیگنال‌ها عاجز هستند. سوم این‌که ظرفیت بخش صنعت (به مفهوم عام آن) کفاف ظرفیت استفاده از خروجی تغییرات فنی و تکنولوژیک مرحله قبل، برای مقاصد تجاری‌سازی آن را ندارد و یا ریسک‌پذیری کافی در این زمینه وجود ندارد. چهارم این‌که تکنولوژی‌های ارائه شده در مرحله قبل به دلیل خرده‌پا، معیشتی و ریسک‌گریز بودن کشاورزان، عوامل خارج از کنترل کشاورز و غیره باعث می‌شود پذیرش قرار نمی‌گیرد و پنجم حسب چهار مورد فوق، این فرآیند بسیار طولانی خواهد شد؛ درحالی‌که کمیابی نسبی عوامل تولید و در نتیجه تغییر در قیمت‌های نسبی، یک امر پویا و دائماً در حال تغییر است، لذا ممکن است تغییرات فنی و تکنولوژیک، روش‌ها و ... مرده به دنیا بیایند. از این‌رو نیاز است تمام حلقه‌های این مسیر به‌صورت زنجیره

در بخش کشاورزی و در سایر بخش‌های اقتصادی در ایران و نیز در سایر کشورها و بویژه کشورهای توسعه‌یافته، ادبیات تئوریک و مطالعات تجربی و راهکارهای ارائه شده خیلی خوبی وجود دارد، اما ممکن است در اجرا با محدودیت‌هایی از جمله مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و غیره مواجه باشند، لذا مراکز تصمیم‌سازی باید یک آشتی بین این‌ها به وجود آورند و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی‌تری را ارائه و ترویج نمایند.

کامل موردتوجه قرار گیرند و برای رفع معایب مختلف آن در بعد زمان، توجه نمود. اگر به کمی از مطالب و پیشنهادها ارائه شده در مورد بهره‌وری در مجامع دانشگاهی و مقالات علمی، قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، عمل می‌شد، امروزه سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور نزدیک به صفر نبود. اندکی بررسی نشان می‌دهد که مطالعات بسیار زیادی در حوزه بهره‌وری و زمینه‌های مرتبط با آن همانند کارایی، کارآمدی، اثربخشی، راندمان، عملکرد، دستاورد و غیره انجام شده و ادبیات تئوریک و مطالعات تجربی نسبتاً قوی در این زمینه وجود دارد. بر اساس جستجوی به عمل آمده در منابع تحقیقاتی طی سه دهه گذشته، مشخص شد که بیش از سیصد مقاله، پایان‌نامه، رساله دکتری، گزارش تحقیقاتی و غیره در ایران وجود دارد که در حوزه بهره‌وری و زمینه‌های مرتبط با آن در سطح کلان، بخشی یا خرد و مزرعه و نیز برای محصولات مختلف کشاورزی و در مناطق

افزایش بهره‌وری و استفاده بیشتر از منابع پایه، دو راه اصلی برای رشد بخش کشاورزی و نیل به امنیت غذایی پایدار، به حساب می‌آیند. بر مبنای تئوری توسعه انگیزه‌ای «هیگس» و به تبع آن مدل توسعه انگیزه‌ای تکنولوژیکی و نهادی ارائه شده برای بخش کشاورزی توسط «هیامی و روتن»، کمیابی نسبی عوامل تولید، منجر به تغییر در قیمت نسبی آن‌ها شده و این موضوع از طریق سیگنال‌های بازار به بنگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی منتقل می‌گردد. بنگاه‌ها، محققین و مؤسسات تحقیقاتی جهت تسهیل جایگزینی عوامل تولید نسبتاً فراوان‌تر (نسبتاً ارزان‌تر شده) به جای عوامل تولید نسبتاً کمیاب‌تر (نسبتاً گران‌تر شده) به پژوهش و آزمون و خطا پرداخته و درصدد ایجاد تغییرات فنی و تکنولوژیک و یافتن روش‌های متفاوت برای این جایگزینی هستند. بعد از این‌که تغییرات فنی و تکنولوژیک (مثل اصلاح بذر، نهال و دام، ژنتیک، هوشمند سازی، روش‌های آبیاری و غیره) در سطح آزمایشگاهی و یا محدود، به وجود آمد؛ بخش صنعت اقدام به انبوه‌سازی و تجاری‌سازی آن می‌نماید به نحوی که کاربرد آن برای بنگاه‌ها دارای توجه اقتصادی باشد. در مرحله بعد بنگاه‌ها (بویژه بنگاه‌های پیشرو) اقدام به پذیرش آن تکنولوژی کرده و درصدد افزایش سودآوری و بهره‌وری (نسبت ارزش خروجی به ارزش ورودی) خود برمی‌آیند. اندکی توجه به این فرآیند مشخص می‌سازد: اول این‌که مکانیزم بازار، دارای نقش مهمی در تولید و ارسال قیمت‌های نسبی است و مداخله غیرمنطقی و بیش از حد در بازار،

تحریریه مجلات مختلف، همکاری در تیم تحقیقاتی، مشاوره پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری، دوره فرصت مطالعاتی (که صرفاً بر روی شکاف تکنولوژیک بود) و غیره از نزدیک با نتایج و پیشنهادات، آن‌ها آشنا هستم. این‌ها را مثال زدم که به این نتیجه برسم که در بخش کشاورزی و در سایر بخش‌های اقتصادی در ایران و نیز در سایر کشورها و بویژه کشورهای توسعه‌یافته، ادبیات تئوریک و مطالعات تجربی و راهکارهای ارائه شده خیلی خوبی وجود دارد، اما ممکن است در اجرا با محدودیت‌هایی از جمله مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و غیره مواجه باشند، لذا مراکز تصمیم‌سازی باید یک آشتی بین این‌ها به وجود آورند و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی‌تری را ارائه و ترویج نمایند. در قوانین برنامه‌های توسعه، قوانین سنواتی بوده و سایر قوانین، هم موارد خوبی وجود دارد، گرچه از انسجام و هماهنگی خوبی

منطقه به نقطه بسیار نگران‌کننده‌ای رسیده است. همچنین در یک طرح تحقیقاتی که حدود دو دهه قبل برای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان انجام دادم، تخصیص بهینه منابع پایه در بخش کشاورزی برای ۱۹ محصول زراعی و ۵ محصول باغی در کلیه شهرستان‌های استان کرمان (آن زمان ۱۲ شهرستان) بر مبنای تئوری ارزش بهره‌وری نهایی، موردبررسی قرار گرفت و پیشنهاداتی هم ارائه شد، اما اقدامات در خور توجهی برای عملیاتی شدن آن‌ها انجام نشد؛ که نیاز به بررسی و آسیب‌شناسی دارد. همچنین بیش از ده مقاله علمی در حوزه بهره‌وری، کارایی، شکاف تکنولوژیک و زمینه‌های مرتبط با آن، از اینجانب در مجلات و کنفرانس‌های معتبر علمی وجود دارد. تعداد زیادی محققین برجسته‌تر و پرتلاش‌تر از اینجانب، در این عرصه وجود دارند که مقالات و تحقیقات زیادی دارند و بنده به دلیل دآوری یا عضویت در هیئت

مختلف به پژوهش پرداخته‌اند. اکثر این تحقیقات از مبانی تئوریک خوبی برخوردار بوده و متدلوژی و داده‌های مناسبی برای به دست آوردن نتایج داشته‌اند و در پایان هم معمولاً پیشنهادهای کاربردی و یا توصیه‌های سیاستی در خور تحقیق را دارا بوده‌اند. نزدیک به سه دهه گذشته در تحقیقی که اینجانب برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود داشتم با استفاده از داده‌های میدانی مربوط به پسته کاران شهرستان رفسنجان، نمونه‌برداری از آب‌وخاک آزمایش آن‌ها، عمق چاه، دبی، حجم برداشت و غیره بر اساس متدلوژی مربوط به آن زمان و با تخمین تابع تولید چندجمله‌ای این نتیجه به دست آمد که با افزایش بهره‌وری آب تا مرز کشاورزان برتر منطقه، امکان افزایش تولید تا بیش از ۵۰ درصد با استفاده از آب موجود، وجود دارد؛ اما به‌جای حرکت در آن مسیر، اقدام به افزایش پروانه‌ها و حجم بهره‌برداری، سطح زیر کشت و غیره شد و امروزه مسئله آب در این



قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «مصوبه ۸۰۷۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «ماده ۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن»، «ماده ۷۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن»، «ماده ۵ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و راهنمای بند الف ماده ۵ آن»، «سیاست‌های کلی برنامه ششم و هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کشور» و غیره اشاره کرد. همچنین مهم این است که مقام معظم رهبری در خصوص بهره‌وری، در بیش از ۳۰ تا از سیاست‌های کلی ابلاغی، اشاره مستقیم و یا غیرمستقیم خیلی نزدیک به بهره‌وری داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به «سیاست‌های کلی برنامه‌های مختلف توسعه بعد از انقلاب اسلامی»، «سیاست‌های کلی محیط‌زیست، ۱۳۹۴»، «سیاست‌های کلی علم و فناوری، ۱۳۹۳»، «سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳»، «سیاست‌های کلی سلامت، ۱۳۹۳»، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲»، «سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، ۱۳۹۲»، «سیاست‌های کلی حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی نظام در خصوص خودکفایی دفاعی و امنیتی، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، ۱۳۹۰»، «سیاست‌های کلی اشتغال، ۱۳۹۰»، «سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی نظام برای ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی نظام



برسد. کوتاهی از طرف چه فرد یا نهادی بوده است؟ گزارش نهادهای نظارتی؟ برخورد قانونی با کوتاهی کنندگان؟ و غیره. به‌وفور می‌توان به این دست از قوانین، سیاست‌ها، آیین‌نامه‌ها و امثالهم اشاره کرد که از آن جمله می‌توان به «قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان بهره‌وری آسیایی، ۱۳۶۷»، «آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳۵

بعد از سی و چند سال بایستی یک نهادی بررسی و آسیب‌شناسی نماید که به چه بخش‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری، قوانین و آیین‌نامه‌ها در سیاست‌های کلی ابلاغی و غیره عمل شده است؟ و آن بخش‌هایی که عمل نشده، مشکل از کجاست؟ بنا بر بیان رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران، کشور ما در تدوین بسته کلان سیاستی در مقایسه با دنیا عقب نیست، اما در جاری‌سازی سیاست دچار ضعف جدی بوده و متأسفانه سیاست‌ها به خوبی اجرا نمی‌شوند. مطالعه دقیق موارد مذکور، مشخص می‌کند که باید چاره‌ای نو در حوزه بهره‌وری اندیشید تا دو حوزه حرف (مبانی علمی، قوانین و ...) و عمل (افزایش واقعی بهره‌وری) را به هم نزدیک کند.

برای اجرا، برخوردار نیست و گاهی در مسیر تدوین، به‌صورت جزیره‌ای و سلیقه‌ای، به موضوعات و مسائل مربوط به بهره‌وری نگاه شده است؛ به‌عنوان مثال در قانون افزایش بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی، مصوب سال ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی، موارد نسبتاً خوبی برای بهبود بهره‌وری در بخش‌های آب و کشاورزی دیده شده است که اگر بعد از حدود ۱۳ سال مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد؛ مشخص می‌گردد که بخش‌های زیادی از این قانون یا اجرا نشده و یا به‌درستی اجرا نشده است. به نحوی که آیین‌نامه اجرایی برخی از مواد و بندهای مختلف این قانون، بسیار با تأخیر به تصویب رسیده است؛ به‌عنوان مثال، آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) این قانون، بعد از حدود چهار سال و نیم و آیین‌نامه اجرایی بند (ب) ماده (۱۲) این قانون بعد از سه سال و اندکی تصویب شده است و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از میزان اجرای آن اطلاعاتی به دست نیامد. همچنین آیین‌نامه اجرایی ماده (۳۳) آن بعد از دو سال و چند ماه، تصویب گردید؛ درحالی‌که بر طبق سطر آخر ماده (۳۳) همین قانون، آیین‌نامه اجرایی این ماده، بایستی حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیئت‌وزیران

زمینه شده است، اما به نظر می‌رسد اول این‌که خیلی کلی‌گویی شده است، دوم این‌که به مسائل ریشه‌ای‌تر همانند خرده‌پا بودن کشاورزان، مسائل اجتماعی، یارانه انرژی، حکمرانی آب، معافیت‌های مالیاتی بخش کشاورزی، حضور نیروهای کار افغانی و غیره اشاره نشده است. سوم این‌که اگر به آسیب‌شناسی دقیق آن‌ها پرداخته شود، عمدتاً به خود دولت‌ها برمی‌گردد، واقعاً مقصر اصلی کیست؟ در این سند به بیش از ۴۰ اولویت سیاستی در بخش کشاورزی اشاره شده است و عملیاتی شدن آن تا سال ۱۴۰۵ را در برنامه ارتقاء بهره‌وری کشاورزی (شامل ۳۸ صفحه و با بیش از یک‌صد راهبرد؛ ۱۲۰ سیاست، حدود ۱۳۰ اقدام اساسی و با بیش از یک‌صد نام‌گر عملکرد (KPI) و مجری اقدامات) آمده است (گرچه خود این امر با تأخیر حدود پنج‌ساله انجام شده چون مربوط بند الف ماده ۵ برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ بوده و سند مذکور مربوط به تیر سال ۱۴۰۰ است). لازم به ذکر است که مشابه همین اسناد و برنامه‌ها برای هشت بخش تولیدی دیگر در اقتصاد (صنعت، حمل‌ونقل، ارتباطات، آب، برق و گاز، ساختمان، نفت، معدن و سایر خدمات) نیز آماده شده است. نگاهی به مطالب و جداول برنامه ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، مبین تلاش‌های زیاد متولیان امر برای بهبود بهره‌وری در بخش کشاورزی، بویژه در طرح مشکل و بیان مسئله است، اما چند نکته انتقادی و تکمیلی در مورد آن وجود دارد: اول این‌که مسئله، راهبرد و اقدام اساسی ارائه شده دارای مقادیر کمی نیست؛ مثلاً در ردیف اول «شکاف عملکردی بین مزارع گندم با مزارع نمونه و پیشرو» به‌عنوان مسئله بهره‌وری ذکر شده و مشخص نیست که در کدام اقلیم در کدام منطقه، کدام وارپته، چه اندازه‌ای از مزرعه و غیره عملکرد چقدر است و با مزارع نمونه و پیشرو، چقدر فاصله دارد؟ آیا فقط عملکرد در واحد سطح، کافی است؟ یا عواملی مانند حجم آب مورد استفاده برای تولید یک تن گندم (آب مجازی) یا نیروی کار مورد استفاده برای تولید یک تن گندم (نیروی کار مجازی) یا ... هم باید مورد توجه قرار گیرد؟

توجه بیشتری به جزئیات بویژه در بخش کشاورزی است. کمیته بهره‌وری وزارت جهاد کشاورزی با همکاری سازمان ملی بهره‌وری ایران نیز اقدامات خوبی در تدوین «برنامه ارتقاء بهره‌وری ۱۴۰۱»، «سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی ۱۴۰۰»، «برنامه ارتقاء بهره‌وری کشاورزی ۱۴۰۰ (با بیش از یک‌صد برنامه عملیاتی به تفکیک معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته، ادارات استان‌ها و ...)»، «برش استانی بهره‌وری ۱۴۰۰ وزارت جهاد کشاورزی»، «آیین‌نامه حمایت از تولید دانش بنیان و اشتغال‌زایی بخش کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۴۰۱» و ... نموده است که مطالعه دقیق و بویژه اجرای دقیق آن‌ها می‌تواند بر بهره‌وری کشاورزی مؤثر باشد، اما با همه این قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و غیره بنا بر گزارش تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در تیرماه ۱۴۰۰ در خصوص سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، به رشد منفی ۰٫۷ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید طی سال‌های برنامه ششم توسعه، اشاره شده است. این امر در حالی است که در ابتدای این برنامه، رشد ۳٫۲ درصدی از بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی، مدنظر بوده است. جواب‌هایی مانند مقصر بودن گذشتگان، خشکسالی، تغییر اقلیم، عوامل غیرقابل کنترل و غیره نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه بر توجیه همان راه طی شده قبلی خواهد افزود. در برخی از موارد هم گزارش‌هایی ارائه می‌شود که حالت نمایشی داشته و روند بلندمدت بهبود بهره‌وری را در پی ندارد. ادامه روند رشد منفی بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی از یکسو، پایان‌پذیری منابع پایه از سوی دیگر، رشد تقاضای غذا و توجه به مسائلی مانند امنیت، استقلال و اقتدار غذایی، از سوی سوم، مسئله توجه به بهره‌وری در بخش کشاورزی را مشخص می‌کند. در سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، (محصول مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان ملی بهره‌وری) مسائل اصلی بهره‌وری بخش کشاورزی شامل ۱۳ مورد تشخیص داده شده است که علی‌رغم تلاش‌هایی که در این

در بخش منابع آب، ۱۳۷۹»، «سیاست‌های کلی نظام در بخش منابع طبیعی، ۱۳۷۹» و غیره اشاره کرد؛ و بعد از سی و چند سال بایستی یک نهادی بررسی و آسیب‌شناسی نماید که به چه بخش‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری، قوانین و آیین‌نامه‌ها در سیاست‌های کلی ابلاغی و غیره عمل شده است؟ و آن بخش‌هایی که عمل نشده، مشکل از کجاست؟ بنا بر بیان رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران، کشور ما در تدوین بسته کلان سیاستی در مقایسه با دنیا عقب نیست، اما در جاری‌سازی سیاست چهار ضعف جدی بوده و متأسفانه سیاست‌ها به‌خوبی اجرا نمی‌شوند. مطالعه دقیق موارد مذکور، مشخص می‌کند که باید چاره‌ای نو در حوزه بهره‌وری اندیشید تا دو حوزه حرف (مبانی علمی، قوانین و...) و عمل (افزایش واقعی بهره‌وری) را به هم نزدیک کند.

روش‌های اندازه‌گیری بهره‌وری متعدد و متنوع هستند و از دیدگاه گروه‌های مختلف (سیاست‌گذاران، برنامه ریزان، مدیران، کشاورزان، مصرف‌کنندگان و ...)، معانی و کاربردهای متفاوتی دارند که در این نوشتار، فرصت پرداختن به تمام ابعاد آن وجود ندارد. فرآیند بهبود بهره‌وری از اندازه‌گیری کمی آن شروع می‌شود و هرگونه صحبت کردن بدون ذکر اعداد و ارقام، کلی‌گویی به حساب می‌آید. از این‌رو نیاز است که با استفاده از روش‌های علمی به این موضوع پرداخته شود. این امر نیازمند مطالعات دقیق به تفکیک محصول، منطقه جغرافیایی تا سطوح بسیار پایین (مثلاً تا سطح آبادی)، عوامل تولید (آب، خاک، انرژی، بذر، نیروی کار، ماشین‌آلات کشاورزی، کود، سم و ...) و ... است و سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آن داشته باشد که نیاز به اختیارات و منابع مالی بیشتر و سازوکار اجرایی قوی‌تر از وضع کنونی دارد. در نظام‌نامه کمیته بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی به‌خوبی به چرخه بهره‌وری و شاخص‌های بهره‌وری اشاره شده است، اما در عمل نیازمند



وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت و ...) و مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، تشکلهای کشاورزان و ... به‌اندازه شایسته مدنظر قرار نگرفته است. سوم این‌که این برنامه حاوی همه مطالب قانون افزایش بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی مصوب سال ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، نبوده و به نظر می‌رسد در برخی از جاها با قانون و آیین‌نامه‌های مذکور مغایرت هم دارد. چهارم این‌که، ضمانت اجرایی، زمان‌بندی و نظارت بر این برنامه مشخص نشده است و الان که بیش از دو سال از تصویب‌نامه هیئت‌وزیران (تیر ۱۴۰۰) گذشته است قاعدتاً باید به ۴۰ درصد (دو سال از ۵ سال) اهداف کمی برنامه رسیده باشد؛ درحالی‌که در این مدت، وزارت جهاد کشاورزی، سه‌ویزیر و یک سرپرست را به خود دیده است. پنجم این‌که، به مسائل اصلی بخش کشاورزی ایران که شامل معیشتی بودن، خرده‌پا بودن، پراکنده بودن، ریسک‌گریز بودن کشاورزان، سنتی بودن، پائین بودن ضریب نفوذ دانش، سوبسیدهای انرژی، جاده‌های نامناسب روستایی، ضعف در ترویج و غیره هستند، به‌اندازه کافی توجه نشده است و ششم بودجه عملیاتی برنامه، طی سال‌های برنامه، مشخص نشده است. علاوه بر بودجه، باید اختیارات، ساختار و متولی اصلی و درنهایت پاسخگو در رسیدن به اهداف کمی هم مشخص شود؛ مثل شرکت‌های خصوصی (به معنی واقعی) که باید بودجه، امکانات و اختیارات به مدیرعامل داده شود و در پایان سال مالی (دوره هدف)، وی پاسخگوی سهامداران باشد.

در پایان و بر اساس مطالب پیش‌گفته، مشخص می‌گردد که بهره‌وری در کشاورزی یک موضوع چندبعدی به‌هم‌پیوسته، بسیار پیچیده، غامض، علمی و فنی بوده و با مسائل اقتصادی (قیمت نسبی محصولات، قیمت نسبی عوامل تولید، نرخ‌های مالیات، سوبسیدها، اندازه مزرعه، فقر و غیره)، فنی (تکنولوژیکی، ژنتیکی، شیمیایی، مکانیکی و غیره)، محیطی (زیست‌محیطی، خشکسالی،

با همه این قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و غیره بنا بر گزارش تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در تیرماه ۱۴۰۰ در خصوص سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، به رشد منفی ۰٫۷ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید طی سال‌های برنامه ششم توسعه، اشاره شده است. این امر در حالی است که در ابتدای این برنامه، رشد ۳٫۲ درصدی از بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی، مدنظر بوده است. جواب‌هایی مانند مقصر بودن گذشتگان، خشکسالی، تغییر اقلیم، عوامل غیرقابل کنترل و غیره نه‌تنها دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه بر توجیه همان راه طی شده قبلی خواهد افزود. در برخی از موارد هم گزارش‌هایی ارائه می‌شود که حالت نمایشی داشته و روند بلندمدت بهبود بهره‌وری را در پی ندارد. ادامه روند رشد منفی بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی از یکسو، پایان‌پذیری منابع پایه از سوی دیگر، رشد تقاضای غذا و توجه به مسائلی مانند امنیت، استقلال و اقتدار غذایی، از سوی سوم، مسئله توجه به بهره‌وری در بخش کشاورزی را مشخص می‌کند.

به‌عنوان مجری اصلی و بقیه به‌عنوان همکار (با برنامه منسجم و مشخص و بدون موازی و دوباره‌کاری و ...) تعریف شوند. همچنین در سطرهای ۲، ۹ و ۱۱ به ترتیب به مصرف بالای آب در مزارع ذرت، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی اشاره شده است و بقیه ستون‌های آن کاملاً مشابه است؛ آیا این‌ها واقعاً به‌عنوان یک مسئله شناخته شوند (حتی با اضافه کردن سایر محصولات به آن) یا سه مسئله جداگانه؟ همین موضوع در خصوص سایر موضوعات ارائه شده در جدول نیز وجود دارد. دوم این‌که بهره‌وری معمولاً در شرایط رقابتی، رشد بهتری خواهد داشت، در حالی‌که این برنامه عمدتاً به افزایش مداخله دولت (با نگاهی به ستون مجری اقدامات) تأکید دارد (آن‌هم صرفاً با تأکید بر وزارت جهاد کشاورزی و بدون در نظر گرفتن موضوعات بین‌وزارتخانه‌ای؛ مثل

اگر کشاورزی با ۶۵۰۰ مترمکعب آب و ۳۲ روز نفر نیروی کار و ۶۰۰ کیلوگرم کود شیمیایی، با کیفیت خاک فلان و کیفیت آب فلان در مازندران در یک هکتار، ۴۸۰۰ کیلوگرم گندم تولید کرد، بهره‌وری بیشتری دارد یا کشاورزی که با ۵۵۰۰ مترمکعب آب و ۴۰ روز نفر نیروی کار و ۳۸۷ کیلوگرم کود شیمیایی، با کیفیت خاک فلان و کیفیت آب فلان، در سمنان و در یک هکتار، ۴۲۰۰ کیلوگرم گندم تولید می‌کند؟ اندازه‌گیری بهره‌وری نیاز به شاخص‌ها و متدولوژی خاص خود را داشته و نباید با معیارهایی همچون عملکرد در واحد سطح، سود ناخالص بازاری (نه سود اجتماعی)، یا امثالهم، اشتباه شود. متأسفانه تلقی‌های نادرست از اندازه‌گیری و بهبود بهره‌وری در حال افزایش است. همچنین در ستون راهبرد مربوط به سطر اول، ارتقای کمی تولید، ذکر شده است؛ از چقدر به چقدر؟ و برنامه زمان‌بندی آن چیست؟ در کجا؟ همچنین در ستون اقدام اساسی، جایگزینی ارقام قدیمی با ارقام جدید (احتمالاً بالعکس است، یعنی جایگزینی ارقام جدید با ارقام قدیمی!!!) که بسیار بحث‌انگیز بوده و نیاز به ارائه جزئیات با برنامه زمان‌بندی دقیق را دارد؟ تصمیم‌گیر اصلی و نهایی، کشاورزان سنتی، خرده‌پا و ریسک‌گریز هستند که تصمیم می‌گیرند که چی بکارند؟ کی بکارند؟ چگونه آبیاری کنند؟ کی آبیاری کنند؟ چقدر کود بدهند؟؟؟؟ باید انگیزه‌های قیمتی و غیر قیمتی، ترویج و غیره چاشنی کار شوند تا به کمک بهره‌وری (به معنی واقعی کلمه) بیایند. در ستون نماگر عملکرد (KPI) منظور از افزایش حجم عملیات (هکتار) گنگ به نظر می‌رسد و با حجم عملیاتی (هکتار) در ستون دوم چه تفاوتی دارد؟ همچنین در ستون مجری اقدامات برای ردیف اول، مؤسسات تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر و تحقیقات دیم‌کشور و معاونت امور زراعت ذکر شده است، آیا بودجه، امکانات، توان فنی و تخصصی و اختیارات این نهادها برای رسیدن به اهداف کمی و زمان‌دار و ... کافی بوده و تناسب کافی دارد؟ آیا تداخل کاری بین آن‌ها وجود ندارد؟ به نظر می‌رسد بهتر است یک نهاد (دستگاه) که پرتی سازمانی دارد،



-Rashidi Sharifabadi, A. and Hossein Mehrabi Boshrabadi (2011). Decomposition of Total Factor Productivity Growth of Pistachio Production in Rafsanjan Region of Iran. *International Journal of Nuts and Related Sciences* 2(1):01-10.

-Mehrabi Boshrabadi, H., Renato Villano and Euan Fleming. (2008). Technical Efficiency and Environmental-Technological Gaps in Wheat Production in Kerman Province of Iran: A Meta-Frontier Analysis. *Agricultural Economics*. 38:1 pp 67-76.

-Mehrabi Boshrabadi, H. Renato Villano and Euan Fleming. (2007). Production Relations and Technical Inefficiency in Pistachio Farming Systems in Kerman Province of Iran. *Forests, Trees and Livelihoods*. 17:2: pp 141- 156.

-Moradi, E. Mosayeb Pahlavani, Ahmad Akbari and Hossein Mehrabi Boshrabadi (2013). Comparative Analysis of Stochastic Frontier Partially non-parametric and Stochastic Frontier Parametric Methods Case Study: Measuring Cost Efficiency in Wheat Production in Iran. *Journal of Agricultural Management & Development*, 3(2): 123-130.

آئین‌نامه‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌های کلی و غیره اقدام به جستجو در سایت گوگل یا سایت مربوطه نموده و به متن آن دسترسی یابند، زیرا به دلیل تعداد زیاد آن‌ها از یکسو و محدودیت صفحات مقاله از سوی دیگر، امکان درج همه آن‌ها نبوده و به مهم‌ترین آن‌ها در زیر اشاره می‌گردد.

- آرشبو دفتر هیئت دولت به آدرس: <https://cabinetoffice.ir/fa/news/8739>

- پیشوائی، م. (۱۴۰۲)، ماهنامه سازمان ملی بهره‌وری ایران، سال سوم شماره ۳۹، تیر ۱۴۰۲ صفحه ۲.

- مهرابی بشرآبادی، ح. و موسی نژاد، م. (۱۳۷۴)، بررسی بهره‌وری عوامل تولید پسته در شهرستان رفسنجان، مجله علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

- مهرابی بشرآبادی، ح. (۱۳۸۵)، بررسی تخصیص بهینه منابع در بخش کشاورزی استان کرمان، طرح پژوهشی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان.

- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1667664>

- سایت سازمان ملی بهره‌وری ایران به آدرس <https://www.npo.gov.ir>

- سایت کمیته بهره‌وری وزارت جهاد کشاورزی به آدرس <https://bahrevari.areeo.ac.ir>

آب، تغییر اقلیم، گازهای گلخانه‌ای، آفات و غیره)، اجتماعی و فرهنگی (خرده‌فرهنگ‌های دهقانی، نابرابری، فقر، مشارکت‌پذیری، سواد، اعتماد و غیره)، حکمرانی (قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، شفافیت، نظارت؛ پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت و غیره) و ... سر و کار دارد و رشد بلند مدت (نه مقطعی و کوتاه‌مدت) آن مد نظر و معنی‌دار است و به‌طور اتفاقی و شانسی هم به وجود نمی‌آید. به همین خاطر هم باید در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آن چندبعدی فکر کرد و اول این‌که از نظرات و ظرفیت‌های محلی (نظام‌مهندسی کشاورزی، شوراهای اسلامی روستا، بسیج مهندسين کشاورزی، خبرگان محلی، بنیاد برکت، کمیسیون‌های کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان‌ها، تشکل‌های کشاورزی و غیره) با محوریت و پاسخگویی سازمان‌های جهاد کشاورزی، استفاده کرد. این امر نیازمند تقویت ساختارهای موجود در این زمینه و انعقاد یک توافق‌نامه و قرارداد چندجانبه کشوری با ضمانت اجرایی و ابلاغ به همه دستگاه‌های ذیربط و قابلیت پیگیری کمی است. ثانیاً، از ابزارهای بودجه‌ای، انگیزشی، (به ویژه قیمت)، سیاست‌های تشویقی و تنبیهی استفاده کرد. دوم، تجربه سایر کشورها، بویژه کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی قرار گیرد، کارآ کردن کشاورزان به مفهوم خارج شدن از گردونه بهره‌برداری و تولید و یا زیان دیدن کشاورزان ناکارآ است (کشاورزی صرفاً برای حفظ مالکیت اراضی، شغل دوم، مهاجرت و غیره) که طبیعتاً پیامدهای اجتماعی و سیاسی خاص خود را دارد (درد و خونریزی خاص خود را دارد همانند بیکاری، اعتراض و غیره) و بایستی از قبل برای آن چاره‌اندیشی کرد. سخن آخر این‌که به‌اندازه کافی حرف‌های خوب در مورد بهره‌وری زده شده است و اکنون وقت آن است که جمع‌بندی و به آن عمل شود. ♦♦

منابع:

خوانندگان عزیز برای دسترسی به هریک از موارد ذکر شده در متن مقاله، شامل قوانین،